

عوامل مؤثر بر هزینه‌های جاری دولت در استانهای کشور «یک تحلیل تجربی»

یوسف محنت فر ■

کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس □ □

احمد جعفری صمیمی ■

استیاد گروه اقتصاد دانشگاه مازندران □ □

چکیده

هدف از این مقاله، بررسی عوامل مؤثر بر افزایش هزینه‌های جاری دولت در استانهای کشور است. بدین منظور پس از مروری بر منون راجع به موضوع، از اطلاعات و آمارهای موجود هر استان براساس آمارنامه‌های استانی که توسط سازمان برنامه و بودجه و مرکز آمار ایران، انتشار یافته به صورت مقطعی (مطالعه موردی در سال ۷۳) و روش حداقل مربعات معمولی (O.L.S) در برآورد الگوهای مورد نظر استفاده شده است. مهمترین متغیرهای توضیحی یا عوامل مؤثر بر افزایش مخارج جاری دولت در استانهای کشور در این مقاله عبارتند از:

تعداد دانش‌آموزان در استانها، جمعیت شهری هر استان، تعداد شاغلان در وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مشمول قانون استخدام کشوری در هر استان، تعداد شهرها و شهرستانهای هر استان در سال مورد نظر براساس آخرین تقسیمات کشوری از سوی وزارت کشور، مالیاتهای دریافتی در هر استان، نرخ تورم در سال ۷۳، دریافتیهای استان از محل درآمدهای استانی، و دریافتیهای استان از محل درآمدهای ملی.

نتایج حاصل از برآورد الگوهای مختلف نشان می‌دهد در سال مورد نظر اثر متغیرهای فوق مثبت و معنادار است که از میان عوامل فوق، تعداد دانش‌آموزان استانها، نرخ تورم و تعداد کارکنان دولت بیش از سایر متغیرها بر مخارج جاری دولت در استانها تأثیر داشته است.

بنابراین نتیجه‌گیری شده است که به منظور تعدیل مخارج جاری دولت در استانها - در شرایطی که امکان افزایش درآمدهای عادی دولت وجود ندارد - واگذاری فعالیتهای دولتی به بخش خصوصی در امور مختلف از قبیل آموزش می‌تواند مؤثر واقع شود.

کلید واژگان: هزینه‌های جاری، مالیاتها، نرخ تورم، جمعیت شهری، درآمدهای استانی.



۱. مقدمه

یکی از اهداف مهم دولت در بخش عمومی کشورمان این است که بتواند مخارج جاری خود را از طریق درآمدهای مالیاتی تأمین مالی کند. بر این موضوع در طرح ساماندهی اقتصاد کشور نیز تأکید شده است. از آنجا که برای تحقق هدف فوق شناسایی عوامل مؤثر بر مخارج جاری دولت اهمیت دارد، در این مقاله با تکیه بر وضعیت مخارج جاری دولت در استانهای کشور (۲۵ استان) عوامل مؤثر بر افزایش این مخارج جاری تجزیه و تحلیل شده است.

در زمینه عوامل تعیین کننده مخارج جاری دولت در استانها از دیدگاه نظری می‌توان به این موارد اشاره کرد: جمعیت شهری، نرخ تورم، تعداد دانش‌آموزان، مالیاتها، درآمدهای استانی (به شکل‌های مختلف) و تعداد کارکنان دستگاههای اجرایی در استانها.

در این مقاله ابتدا وضعیت مخارج جاری دولت و اهمیت مالیاتها در تأمین مالی آنها در استانهای کشور در سال ۷۳ بررسی شده است. با اینکه پراکندگی شدیدی بین استانهای کشور در این خصوص وجود دارد، ولی برای تحقق هدف تأمین مالی مخارج دولت از طریق مالیاتها لازم است سیاستهای مناسبی اتخاذ شود. شکی نیست که تعدیل مخارج جاری دولت در استانها از یک طرف و بهبود سیستم مالیاتی از طرف دیگر می‌تواند در این باره نقش مهمی ایفا کند.

در ادامه این مقاله ابتدا مروری بر متون راجع به موضوع ارائه گردیده است. آنگاه پس از تجزیه و تحلیل وضعیت مخارج جاری دولت در استانهای کشور سعی شده است تا با جمع‌آوری اطلاعات موجود استانی در سال ۷۳ «اهمیت» عوامل مختلف مؤثر بر مخارج جاری دولت به کمک الگوهای اقتصادسنجی تجزیه و تحلیل شود. البته به دلیل ارتباط موجود بین برخی از متغیرها (همخطی) تلاش شده که از طریق تحلیل حساسیت متغیرهای مهم مؤثر بر مخارج جاری دولت در استانهای کشور شناسایی شود.

۲. مبانی نظری و مروری بر متون راجع به موضوع الف) مبانی نظری

اولین بررسی انجام شده در مورد رشد هزینه‌های دولت، مربوط به «آدلف واگنر» (۱۹۱۷-۱۸۳۵)، اقتصاددان سیاسی آلمان است. نظریه واگنر که به «قانون واگنر»^۱ معروف شد، توسط اقتصاددانان مختلف تحت ارزیابی قرار گرفت. در این باره باید گفت که استفاده از تکنیکهای اقتصادسنجی کمک شایانی به آزمون قانون واگنر کرده است.

برخی از نویسندگان بعد از واگنر قانون وی را مبنای کاری خود در بحث رشد هزینه‌های دولت قرار دادند و جزئیات و مباحث دیگری را به آن افزودند. واگنر متوجه شد که با فرایند صنعتی شدن سیستم اقتصادی و پیچیده شدن عملکرد عوامل تشکیل دهنده بازار و گسترش شهرنشینی و افزایش

جمعیت در مناطق شهری، وجود قراردادهای و قوانین تجاری و در نتیجه تشکیلات اداری و قضایی برای رسیدگی و نظارت به موارد فوق ضرورت دارد. لذا دخالت دولت در مسائل اقتصادی لازم است و همین امر موجب افزایش رشد هزینه‌های دولت می‌شود.

در تحلیل فوق علت اصلی رشد مخارج دولت، تبدیل جامعه از حالت «سنتی» به «صنعتی» است. در این زمینه متغیرهایی مانند نیروهای کار استخدام شده در بخش صنعت، نسبت مشارکت زنان در بازار کار، رشد جمعیت و هرم سنی آن و درجه شهرنشینی، معیارهای ارزیابی قانون واگنر هستند. به عبارت دیگر براساس تجزیه و تحلیل فوق، رابطه بین مخارج دولت و متغیرهای فوق مثبت است.

روش دیگری که واگنر براساس آن رشد مخارج دولتی را توضیح می‌داد بر «نوع کالا و خدماتی» که دولت ارائه می‌کند مبتنی است. از نظر واگنر خدماتی مانند تعلیم و تربیت، فرهنگ و بهداشت و رفاه، از «کشش درآمدی»^۲ بالایی برخوردارند. همچنان که قبلاً گفتیم با رشد درآمد سرانه در اقتصاد، اندازه نسبی بخش عمومی نیز افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر با افزایش تولید ناخالص ملی، مخارج عمومی مربوط به این خدمات به نسبت بیشتری افزایش می‌یابد. نظریه واگنر پایه تجربی دارد. وی در قرن نوزدهم، رشد بخش عمومی در چند کشور اروپایی، آمریکایی و ژاپن را بررسی کرده است.

ماسگریو (۱۹۶۹) همانند واگنر بر نقش متغیر دولت در فرایند توسعه اقتصادی تأکید داشت. او بر خلاف واگنر، درآمد سرانه را ملاک توسعه اقتصادی قلمداد می‌کرد. به نظر ماسگریو در مراحل توسعه اقتصادی، ترکیب مخارج دولتی (سرمایه‌ای، مصرفی، انتقالی) از نظر نوع هزینه فرق می‌کند. او با طبقه‌بندی مخارج دولتی در سه گروه مخارج مصرفی، مخارج سرمایه‌گذاری و مخارج انتقالی معتقد است نیروهایی که باعث صنعتی شدن یا توسعه یافتن اقتصاد می‌گردند ممکن است باعث گسترش یا تجدید این مخارج شوند. ماسگریو تغییرات عوامل اقتصادی، دموگرافیک، تکنولوژیک، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را از عوامل مؤثر بر افزایش هزینه‌های دولتی بیان می‌کند.

نظریه پیکاک و وایزمن به «تئوری چرخ دنده‌ای رشد مخارج دولت»^۳ معروف است. در این نظریه، فرض بر این است که شرایط بحرانی زودگذر، باعث افزایش مخارج دولت می‌شود و این مخارج در سطحی بالاتر از سطح مخارج قبل از بحران باقی می‌ماند. به عبارت دیگر در زمانهای بحرانی و بعد از آن از قبیل زمان جنگ، کساد و قحطی، مخارج عمومی در سطحی بالاتر از دوران قبل از بحران است. این امر باعث به وجود آمدن نوسان در رشد مخارج دولتی و همچنین جانشینی مخارج عمومی به جای مخارج خصوصی می‌گردد که به آن «اثر جابه‌جایی»^۴ می‌گویند.

براساس نظریه بامول که به الگوی اسکاندیناوی تورم معروف است و بامول آن را یک نوع بیماری تلقی می‌کند، بهره‌وری در بخش دولتی به مراتب کمتر از بخش خصوصی است، در حالی که افزایش

2. income elasticity

3. the ratchet theory of government growth

4. displacement effect



دستمزد در بخش دولتی و خصوصی، شبیه هم است و همین امر باعث افزایش قیمت کالاها و خدمات دولتی می‌شود و در نتیجه سهم اسمی مخارج دولتی در کل تولید ناخالص ملی افزایش می‌یابد. یکی دیگر از نظریه‌های مربوط به رشد مخارج دولت نظریه بوروکراسی است. براساس این نظریه، هر چه سطح بوروکراسی یک کشور بالاتر باشد، ارزیابی عملکرد دولت توسط مردم مشکل‌تر است. لذا بر این مبنا، از درون بخش عمومی فعالیت‌هایی برای گسترش درجه بوروکراسی انجام می‌گیرد. پس رشد بوروکراسی از طریق نیروهای درونی باعث افزایش مخارج دولتی می‌گردد. از متغیرهای کمی مختلفی به منظور نشان دادن درجه بور و کراسی یک کشور استفاده می‌شود که بهترین آنها، نسبت تعداد پرسنل موجود در بخش دولتی به کل نیروی کار شاغل در جامعه است.

ب) مروری بر تحقیقات انجام شده

اول) بررسی تحقیقات انجام شده درباره هزینه‌های جاری دولت در ایران

درباره بررسی عوامل مؤثر بر مخارج جاری دولت در استانهای کشور، به صورت مطالعات مقطعی^۵ تاکنون تحقیقی صورت نگرفته است. تحقیقات انجام شده در این مورد غالباً به صورت سری زمانی^۶ در ایران انجام شده که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- الگوی مخارج دولتی مهدی تقوی و صنیع دانش [۲]: دوره زمانی این تحقیق از ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰ است. نویسندگان در این تحقیق سعی کرده‌اند دلایل نوسان حجم فعالیت‌های دولت در اقتصاد ایران را بیان کنند. فرضیه اصلی مقاله این است که: «نوسان درآمد نفت، در اقتصاد ایران، نوسان بودجه عمومی دولت و اجزای آن را در دوره (۱۳۷۰ - ۱۳۵۰) توضیح می‌دهد». در این تحقیق شاخصهای مناسبی برای سنجش اندازه دولت بررسی گردیده که مناسبترین آنها، نسبت هزینه‌های عمومی (بودجه عمومی) به تولید ناخالص داخلی است.

غیر از درآمدهای نفتی که براساس فرضیه این مقاله از علل اساسی نوسان بودجه عمومی محسوب می‌شود، قانون واگنر نیز بررسی گردیده، و چنین نتیجه‌گیری شده است که «آزمون نظریه واگنر درباره دولت ایران نیز نتیجه مثبتی ندارد».

- الگوی مخارج دولتی بدرخش [۱]: دوره زمانی این تحقیق از ۱۳۴۲ تا ۱۳۶۷ است. این پژوهشگر سعی کرده تأثیرات مخارج مصرفی و سرمایه‌گذاری را بر مخارج جاری دولت در سالهای یاد شده به صورت سری زمانی بررسی کند. هدف اصلی تحقیق مذکور این بوده که «نوسان درآمد نفت و گاز در دوره یاد شده، درآمد مالیاتی در طول دوره، مخارج مصرفی عمومی دولت و مخارج مصرفی عمومی دولت در دوره قبل را بررسی کند».

نتیجه اصلی تحقیق یاد شده این است که نوسانات درآمدهای نفتی، بودجه عمومی دولت را به شدت



تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ اما چون درآمدهای ناشی از صدور نفت و گاز تابع شرایط بین‌المللی است که از حیثه کنترل دولت خارج است و چون دولت نمی‌تواند به طور کامل در مورد این متغیرها سیاستگذاری کند، برای کاهش بار مالی خود باید با اتکا به درآمدهای غیرنفتی - مثل مالیاتها - سیاستگذاری کند.

- الگوی مخارج دولت داود نجاری [۵]: دوره زمانی این تحقیق از ۱۳۳۸ تا ۱۳۷۳ است. محقق سعی کرده مهمترین متغیرهای توضیحی یا عوامل مؤثر بر افزایش سطح هزینه‌های جاری دولت را بررسی کند و بدین منظور از متغیرهایی مثل تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه، درآمدهای نفتی، درآمدهای مالیاتی، سایر درآمدهای دولت، نرخ بیکاری، نرخ تورم، تعداد دانش‌آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی، و متغیرهای دیگری چون شرایط بحرانی، جنگ و تکانه نفتی به صورت الگوهای اقتصادسنجی به روش حداقل مربعات معمولی (O.L.S) استفاده کرده است.

- الگوی سامتی [۳]: در این تحقیق به فعالیتهای اقتصادی دولت از سه بُعد توجه شده است. یکی از بُعد بودجه عمومی دولت، دیگری از بُعد بودجه شرکتهای دولتی و سوم از بُعد قانونگذاری. با عنایت به اینکه سه وظیفه تخصیص بهینه منابع، توزیع عادلانه ثروتها و تثبیت فعالیتهای اقتصادی، در متون راجع به موضوع برای توجیه دخالت دولت در فعالیتهای اقتصادی در نظر گرفته شده و همچنین اینکه اثر فعالیتهای اقتصادی دولت هم از دیدگاه متغیرهای کلان و هم از دیدگاه متغیرهای اقتصاد خرد درخور بررسی است، لذا متغیرهای بهره‌وری و بازدهی نسبت به مقیاس عوامل تولید به منظور تشریح تخصیص بهینه منابع، از متغیرهای اقتصاد خرد، و رشد حقیقی تولید ناخالص داخلی به منظور تشریح تثبیت فعالیتهای اقتصادی از متغیرهای اقتصاد کلان انتخاب گردیده و تأثیر هر کدام از ابعاد فعالیتهای اقتصادی دولت بر این گونه متغیرها ارزیابی شده است. ابتدا اندازه موجود فعالیتهای اقتصادی دولت ارزیابی شده و به این نتیجه منجر شده که در مجموع، اندازه فعالیتهای اقتصادی دولت با توجه به اهداف یاد شده نامتناسب است. سپس به منظور شناسایی نقاط مثبت و منفی فعالیتهای اقتصادی دولت، هر کدام از اجزای بودجه عمومی دولت و بودجه شرکتهای دولتی ارزیابی گردیده است، به گونه‌ای که از نظر بودجه عمومی دولت، اثر هر کدام از امور - با توجه به ابعاد جاری و عمرانی بودجه - بر رشد حقیقی تولید ناخالص داخلی تعیین شده و به این نتیجه منجر شده که امور اقتصادی هم از نظر عمرانی و هم از نظر جاری تأثیرات مثبتی بر رشد حقیقی تولید ناخالص داخلی داشته است؛ اما امور اجتماعی به رغم آنکه از نظر عمرانی دارای تأثیرات مثبت بوده، از نظر جاری بر رشد حقیقی تولید ناخالص داخلی تأثیر منفی داشته است. همچنین امور عمومی از نظر بودجه عمرانی دارای تأثیر منفی و از نظر بودجه جاری دارای آثار منفی بوده است.

از نظر بودجه شرکتهای دولتی ابتدا قریب ۴۰ شرکت دولتی و ۲۰ شرکت خصوصی و تحت پوشش بنیادها انتخاب گردیده است. سپس بهره‌وری بازدهی عوامل تولید بین آنها مقایسه گردیده و نقاط



ضعف شرکتهای تحت پوشش دولت از نظر بهره‌وری و بازدهی عوامل در مقایسه با بخش خصوصی و بنیادها مشخص شده است. از نظر قانونگذاری نیز تأثیرات اقتصادی قانون وضع عوارض زیربنای ساختمان بر شاخصهای بهای مسکن در تهران به منظور نشان دادن تأثیر توزیع درآمد و همچنین تأثیر قوانین و مقررات دولتی بر بلااستفاده ماندن ظرفیتهای شرکتهای دارویی با هدف نشان دادن تأثیر آن بر تثبیت فعالیتهای اقتصادی بررسی گردیده و مشخص شده که اگر قوانین متناسب با فعالیتهای اقتصادی وضع شوند می‌توانند تسهیلات لازم برای رشد اقتصادی، توزیع عادلانه ثروتها و تثبیت فعالیتهای اقتصادی را فراهم آورند.

دوم) بررسی تحقیقات انجام شده درباره هزینه‌های جاری دولت در سایر کشورها این مطالعات اغلب به صورت مقطعی بین کشورهای مختلف بوده است. در این تحقیقات سعی شده عوامل مؤثر بر هزینه‌های جاری دولت در کشورهای مختلف مخصوصاً کشورهای در حال توسعه بررسی شود. این مطالعات به شرح زیر است:

- الگوی مخارج دولتی رتی رم: «رتی‌رم» با به کارگیری داده‌های سری زمانی و برش مقطعی ۱۱۵ کشور در فاصله سالهای «۱۹۸۰-۱۹۵۰» و «۱۹۸۰-۱۹۶۰» و با تقسیم‌بندی کشورها، سعی در آزمون قانون واگنر داشت [۹].

نتیجه برآوردهای رتی‌رم نشان داد که در داده‌های سری زمانی، علامت و همبستگی بین درآمد و مخارج دولتی در بین کشورهای مختلف دنیا با هم متفاوت است و فرضیه واگنر در ۶۰ درصد از کشورهای تحت بررسی تأیید، و در ۴۰ درصد دیگر رد می‌گردد.

نتایج داده‌های برش مقطعی، فرضیه واگنر را رد کرد و نشان داد که کشش سهم مخارج دولتی، نسبت به درآمد سرانه منفی است و این مقدار منفی در کل ۱۱۵ کشور از نظر آماری معنادار است.

- الگوی مخارج دولتی سهراب عبیرزاده و محمود یوسفی در مورد کشور کانادا [۶]: از بررسی سهراب عبیرزاده و محمود یوسفی، درخصوص عوامل مؤثر بر افزایش مخارج دولت کانادا نتایج زیر حاصل شده است:

۱. ارتباط و همبستگی شدیدی بین «درجه بازبودن اقتصاد» و نسبت مخارج دولتی به GNP وجود دارد.

۲. ارتباط و همبستگی مثبتی بین «نرخ تکفل»^۷ و نسبت مخارج دولتی به GNP وجود دارد.

۳. رابطه بین نرخ بیکاری با وقفه زمانی و مخارج دولتی مثبت است و نرخ بیکاری بیانگر مشکل اقتصادی است.

۴. بین درصد افراد لیبرال^۸ به عنوان شاخص عامل سیاسی (P.F.I)^۹ و مخارج دولتی ارتباط مثبتی وجود دارد.
۵. درآمد ملی با تأخیر زمانی و مخارج دولتی، ارتباط مثبت و معناداری دارند و ضریب $\text{Log}y_{t-1}$ بیانگر کشش درآمدی تقاضا برای کالاها و خدمات دولتی است (بررسی قانون واگنر).
۶. بین درصد افراد شاغل در بخش دولتی و مخارج دولتی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد و از متغیر LFGR^{۱۰} به عنوان متغیر نماینده^{۱۱} برای درجه بوروکراسی استفاده می‌شود.
- ایشان با قراردادن مقادیر اسمی و واقعی مدل مخارج دولتی، و برآورد آن، تغییرات اساسی را در نتایج مشاهده نکردند. از طرف دیگر با قراردادن نسبت مخارج دولتی به تولید ناخالص داخلی - بدون ملحوظ داشتن پرداختهای انتقالی - نتایج متفاوتی را در مقایسه با حالتی که پرداختهای انتقالی در کل مخارج ملحوظ شده بود به دست آوردند.

- الگوی نظری مخارج دولتی دیوید لیندائر و آن ولنچیک در مورد کشورهای در حال توسعه [۸]: دیوید لیندائر و آن ولنچیک در سال ۱۹۹۲ میلادی به بررسی نظری و تجربی موضوع «مخارج دولتی در کشورهای در حال توسعه شامل، فرایند، علتها، و پیامدها» پرداختند و مخارج دولتی در کشورهای در حال توسعه و کشورهای صنعتی (ملاک مقایسه، سهم مخارج دولتی در تولید ناخالص داخلی است) و همچنین علل رشد مخارج دولتی، و تأثیر افزایش این مخارج بر روی رشد اقتصادی را بررسی کردند. با توجه به بررسی تجربی بین کشورهای «O.E.C.D» و کشورهای در حال توسعه این دو محقق بیان کردند که سهم مخارج دولتی در GDP در کشورهای «O.E.C.D» در فاصله سالهای ۱۹۸۵-۱۸۸۰ مرتباً افزایش یافته و در هر مقطع زمانی، سهم مخارج این کشورها، در مقایسه با سهم مخارج کشورهای در حال توسعه بیشتر است.

آنها در مقاله خود اظهار کرده بودند: تشریح علل رشد دولتها، یک سنت دیرینه است و به هر حال از زمان آدولف واگنر تاکنون ادامه یافته است. آنها چهار رهیافت را برای یافتن علل رشد بخش دولتی، تحت عناوین حسابداری هزینه، مباحث طرف تقاضا، مباحث طرف عرضه و نظریه پردازی توسعه، یادآوری کرده بودند. دیدگاههای متفاوتی در مورد ارتباط بین مخارج دولتی و رشد اقتصادی در این مقاله ذکر شده بود. گولد^{۱۲} ساندرز^{۱۳} و اسمیت^{۱۴}، به یک همبستگی تقریباً مثبت بین مخارج دولتی و

8. liberal members

9. political factor index

10. ratio of laborforce employed by government to total laborforce

11. proxy

12. Gould (1983)

13. Saunders (1985)

14. Smith (1985)



رشد اقتصادی رسیده بودند. لاندآ مشاهده کرد که مصرف عمومی دولت (مخارج جاری) روی رشد اقتصادی، تأثیر منفی و بارزی بر جای می‌گذارد. همچنین مطالعات انجام شده توسط بارو^{۱۵}، ارتباط منفی بین مصرف دولتی و متوسط رشد سالانه محصول ناخالص داخلی را نشان داد (بجز مورد آموزش و پرورش و دفاع).

در مقابل تحقیقات فوق‌الذکر، تحقیقاتی وجود دارد که رشد درآمد سرانه را با رشد مخارج دولتی مرتبط می‌داند. رتی رم این همبستگی را با به کارگیری یک روش دقیقتر، مورد آزمون قرار می‌دهد. او یک معادله رشد را استخراج کرد که در آن ستانده بخش عمومی به عنوان داده در عملیات تولیدی بخش خصوصی در نظر گرفته می‌شود.

در معادله رشد اقتصادی رتی رم، رشد درآمد سرانه تابع سرمایه‌گذاری، رشد جمعیت و رشد مخارج دولتی در نظر گرفته شده است.

- الگوی مخارج دولتی مینه کوانگ دئو [۷]: «مینه کوانگ دئو» در سال ۱۹۹۵ میلادی به بررسی عوامل تعیین‌کننده مخارج دولتی - با توجه به اطلاعات برش مقطعی - در ۱۰۵ کشور جهان پرداخت. او مدل خود را برای پنج نوع از خدمات عمومی، شامل هزینه‌های دفاعی، هزینه‌های آموزش و پرورش، هزینه‌های رفاه و تأمین اجتماعی، هزینه‌های مسکن، و هزینه‌های بهداشت، برآورد کرد. در پنج نوع از خدمات عمومی فوق، کشش درآمدی تقاضا، مثبت و معنادار بود و سایر متغیرهای موجود در مدل مخارج دولتی، با توجه به نوع کالا و خدمات عمومی، علامتهای متفاوتی را نشان می‌داد.

- الگوی مخارج دولتی شم بت در مورد کشور هند [۱۰]: شم بت با ارائه دو مدل مجزا به بررسی عوامل مؤثر بر افزایش هزینه‌های دولتی و همچنین عوامل تعیین‌کننده درآمدهای مالیاتی کشور هند پرداخته است که در ادامه، به تحلیل مدل هزینه‌های دولتی می‌پردازیم. مدل مربوط به درآمدهای مالیاتی از مقوله رساله حاضر خارج است.

شم بت در مقدمه مقاله‌اش به نقش دولت از دیدگاه کلاسیکها اشاره کرده است. براساس این دیدگاه، فعالیت‌های دولت به زمینه‌های عدالت^{۱۶}، ایجاد امنیت داخلی و حفظ مرزها از تجاوز کشورهای بیگانه محدود می‌شود. با توجه به این محدودیت ضرورتی به منابع درآمدی متنوع برای تأمین هزینه‌های عمومی احساس نمی‌شود و عمده‌ترین منبع تأمین مالی دولت، درآمدهای مالیاتی است. چنین نگاهی به وظایف دولت تا قبل از طرح «نظریه رکود دهه ۱۹۳۰» کماکان به قوت خود باقی ماند تا اینکه بعد از دهه ۱۹۳۰ به دلیل مشکلات اقتصادی ناشی از عملکرد نظام بازار، مداخله دولت در اقتصاد گسترده شد و حیطه مداخله دولت علاوه بر زمینه‌های مالی، حقوقی و سیاسی، شامل امور اقتصادی نیز گردید. این مداخله تغییر در اندازه و ساختار هزینه‌های دولتی را به دنبال داشت؛ به طوری که وظایف



15. Barro (1989)

16. justice

این مداخله تغییر در اندازه و ساختار هزینه‌های دولتی را به دنبال داشت؛ به طوری که وظایف جدیدتری از جمله ثبات قیمت‌ها و اشتغال کامل، توزیع عادلانه درآمد و تسهیل رشد اقتصادی، به وظایف قبلی دولت افزوده شد و استفاده از منابع درآمدی دیگری - غیر از درآمدهای مالیاتی - را برای دولت ضروری ساخت.

شم بت و أما شنکرپتینیک^{۱۷} در ۱۹۹۱ میلادی عوامل مؤثر بر افزایش هزینه‌های دولتی را بررسی کردند. متغیرهای توضیح دهنده هزینه‌های دولتی عبارتند از:

درآمد سرانه، نرخ باسوادی، درجه شهرنشینی، تراکم جمعیت و متغیر مجازی (عدد یک برای دوره‌ای که کشور توسط حزب کنگره اداره می‌شود و عدد صفر برای دوره‌ای که کشور توسط حزب کنگره اداره نمی‌شود). آنان نتیجه گرفتند که هم متغیرهای اقتصادی - اجتماعی و هم عوامل سیاسی در افزایش هزینه‌های دولتی مؤثرند.

مهمترین کار شم بت ملحوظ داشتن متغیرهای سیاسی در مدل مخارج دولتی است.

قبل از ۱۹۷۵ میلادی، حزب کنگره هند قدرت انحصاری در اداره کشور بود و بر اصول اقتصادی، به منظور افزایش هزینه‌های دولتی تأکید داشت؛ اما بعد از ۱۹۷۵ میلادی به دلیل رقابت بین طرفداران حزب کنگره و سایر احزاب برای موفقیت در انتخابات، اصول مخارج دولتی از اصول اقتصادی به اصول سیاسی تغییر کرد.

او نشان داد که درجه باز بودن اقتصاد و نرخ بیکاری، ارتباط مثبت و معناداری با اندازه مخارج دولتی دارد. شم بت درجه باز بودن اقتصاد را معیار توسعه و تنوع اقتصادی^{۱۸} قلمداد می‌کند. درجه باز بودن اقتصاد بیانگر این است که هر چه درجه وابستگی اقتصاد داخلی با اقتصادهای بین‌المللی بیشتر باشد، تقاضا برای مخارج دولتی به منظور ایجاد تثبیت اقتصادی بیشتر می‌گردد. همچنین هدفگیری سیاست‌های دولت به منظور حمایت از اقتصاد داخلی در مقابل نوسانات موجود در اقتصادهای خارجی، باعث افزایش مخارج دولتی می‌شود و اگر نرخ بیکاری در دوره ۱-۲ از حد معقول اقتصادی بیشتر باشد دولت در دوره ۲ سعی خواهد کرد که با هزینه‌های صلاحدید، نرخ بیکاری را کاهش دهد. به علاوه او نتیجه‌گیری کرد که در انتقال از رژیم کنگره‌ای به رژیم غیر کنگره‌ای، سهم مخارج دولتی در تولید ناخالص ملی ۶/۷۵ درصد افزایش یافته است.

- مخارج دولتی در کشورهای در حال توسعه: الگوی کوزنتز [۴]: براساس تحقیق کوزنتز، در چند دهه اخیر، مخارج دولتی در کشورهای در حال توسعه در حد چشمگیری افزایش یافته است. از ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۶، با درآمدهای متوسط رو به پایین، نرخ افزایش مخارج دولتی به عنوان سهمی از محصول ناخالص ملی به طور متوسط در سطح ۱۲ درصد باقی مانده است. برای کشورهای با درآمد پایین و



متوسط روبه بالا، افزایش مخارج دولتی به طور چشمگیری کمتر بوده است. با وجود آنکه مصرف دولتی محدودتر شده، مخارج دولتی در کشورهای در حال توسعه از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۶ رشد کرده، لکن نه به اندازه رشدی که در کشورهای صنعتی دارای اقتصاد مبتنی بر بازار وجود داشته است. در پایان کورنتز نتیجه‌گیری کرده است که:

۱. کشورهای در حال توسعه، نسبت به کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، به طور متوسط درصد کمتری از محصول ناخالص داخلی را به پرداختهای دولتی اختصاص می‌دهند. به نظر می‌رسد که این موضوع در مورد کشورهای با درآمد پایین و متوسط متفاوت است. در سال ۱۹۸۶، دامنه مخارج دولت مرکزی به عنوان سهمی از محصول ناخالص ملی، ۷ تا ۷۲ درصد بوده و مصرف دولتی به عنوان سهمی از محصول ناخالص داخلی ۷ تا ۴۵ درصد شده است. این تغییرات در کشورهای صنعتی بیشتر مشاهده می‌شود.

۲. در مقایسه با تجربه تاریخی کشورهای صنعتی، دولتهای با درآمد پایین و متوسط، کسر بزرگتری از محصول ناخالص داخلی را با توجه به مرحله توسعه مصرف می‌کنند (توسعه یافته‌ها کمتر و توسعه نیافته‌ها بیشتر).

۳. اگر چه نرخ رشد مخارج دولتی در کشورهای با درآمد پایین و متوسط، متفاوت است و حتی در بعضی موارد کاهش یافته است، ادامه یافتن این جریان افزایشی، طبیعی به نظر می‌رسد.

۳. بررسی وضعیت مخارج جاری دولت در استانهای کشور

جدول ۱ مخارج جاری دولت و مالیاتها و سهم مالیاتها به مخارج جاری دولت را در استانهای کشور در سال ۱۳۷۳ نشان می‌دهد. همانطور که در اطلاعات جدول ۱ مشاهده می‌شود کمترین میزان مخارج جاری دولت در سال ۷۳ مربوط به استان بویراحمد و بیشترین آن مربوط به استان تهران است. بنابراین پراکندگی شدیدی از این لحاظ بین استانها مشاهده می‌شود.

همچنین مالیاتها نیز در استانهای کشور نوسان شدیدی دارند، به طوری که کمترین مقدار مربوط به استان ایلام و بیشترین مقدار مربوط به استان تهران است. علاوه بر این با توجه به اطلاعات مربوط به سهم مالیات به مخارج جاری دولت می‌توان گفت که فقط در استانهای مرکزی و اصفهان سهم مالیات به مخارج جاری بیش از ۵۰ درصد است. کمترین نسبت به استان ایلام با ۸ درصد مربوط می‌شود. نمودار ۱ وضعیت مالیات و مخارج جاری دولت را در استانهای کشور نشان می‌دهد. این نمودار نیز شکاف موجود بین مخارج جاری دولت و مالیاتها را در استانهای کشور به خوبی نمایان می‌سازد.

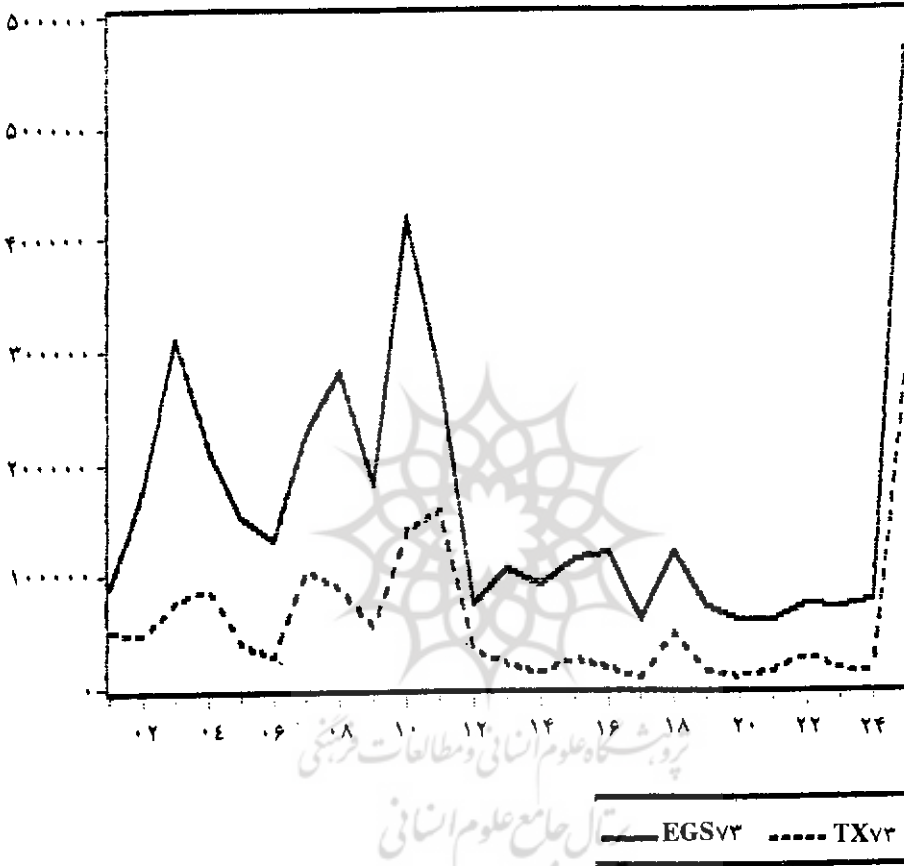
جدول ۱ مخارج جاری دولت و مالیاتهای دریافتی و نسبت مالیات‌ها به مخارج جاری دولت در استانهای کشور در سال ۱۳۷۳ (ارقام به میلیون ریال)^۳

ردیف	نام استان	مخارج جاری دولت در سال ۷۳ EGS73	کل مالیاتهای سال ۷۳ TX73	سهم مالیات‌ها به مخارج جاری در سال ۷۳ RTG3
۱	مرکزی	۸۸۵۷۲/۲۵	۲۸۴۰۶	۰/۵۴۶۵
۲	گیلان	۱۷۶۰۵۷/۴	۴۵۲۵۲	۰/۲۵۷۰
۳	مازندران	۳۰۹۷۲۶/۶	۷۴۶۲۷	۰/۲۴۰۹
۴	آذربایجان شرقی	۲۱۲۰۱۳/۴	۸۷۱۰۱	۰/۴۱۰۸
۵	آذربایجان غربی	۱۵۰۶۴۷/۸	۳۶۸۷۳	۰/۲۴۳۷
۶	کرمانشاه	۱۳۰۴۷۷/۳	۲۶۱۹۱	۰/۲۰۰۷
۷	خوزستان	۲۲۴۶۵۶/۳	۱۰۳۵۵۵	۰/۴۶۱۰۴
۸	فارس	۳۷۸۵۲۰/۰	۸۶۴۴۳	۰/۳۱۱۸
۹	کرمان	۱۷۷۴۱۳/۲	۵۱۵۷۹	۰/۲۹۰۷
۱۰	خراسان	۴۱۷۰۱۴/۷	۱۳۷۲۹۹	۰/۳۲۹۲
۱۱	اصفهان	۲۷۵۱۱۰/۸	۱۵۶۴۷۸	۰/۵۶۸۷
۱۲	هرمزگان	۷۱۸۳۷/۰۷	۳۰۳۳۱	۰/۴۲۲۳
۱۳	سیستان و بلوچستان	۱۰۵۰۸۴/۸	۱۸۵۲۳	۰/۱۷۶۲
۱۴	کردستان	۸۹۱۱۰/۲۱	۱۰۲۲۷	۰/۱۱۴۷
۱۵	همدان	۱۱۱۵۲۱/۴	۲۲۸۳۲	۰/۲۰۴۷
۱۶	لرستان	۱۱۸۶۷۹/۲	۱۵۰۸۹	۰/۱۳۷۱
۱۷	ایلام	۵۶۵۳۵/۷۹	۴۶۵۷	۰/۰۸۴
۱۸	زنجان	۱۱۹۵۶۰/۱	۴۶۵۲۵	۰/۳۸۹۱
۱۹	چهارمحال و بختیاری	۶۸۴۱۱/۶۸	۱۰۹۸۰	۰/۱۶۰۵
۲۰	کهگیلویه و بویراحمد	۵۶۴۰۷/۳۴	۶۶۸۷/۳	۰/۱۱۸۵
۲۱	سمنان	۵۶۸۲۳/۰۴	۱۱۶۶۱	۰/۲۰۵۱۷
۲۲	یزد	۷۳۳۰۰/۷۳	۲۵۶۸۵	۰/۳۵۰۸
۲۳	بوشهر	۶۹۸۷۹/۸۵	۱۴۰۲۹	۰/۲۰۰۷
۲۴	اردبیل	۷۴۶۳۵/۰۵	۹۳۴۴/۴	۰/۱۲۶۵
۲۵	تهران	۵۶۵۰۱۹/۸	۲۷۹۶۲۳	۰/۴۹۴۸

۳ مأخذ: قانون بودجه استانهای کشور، عملکرد سال ۷۳، انتشارات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۴.



(به میلیون ریال)



نمودار ۱ مخارج جاری دولت و مالیاتها در استانهای کشور در سال ۷۳ (به میلیون ریال)

EGS_{۷۳} مخارج جاری دولت در استانهای کشور

TX_{۷۳} مالیاتها، دریافتی در استانهای کشور

* مأخذ: قانون بودجه استانهای کشور سال ۷۳، انتشارات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۴.

عوامل مؤثر بر هزینه‌های جاری دولت در استانهای کشور

یکی از نکات بسیار مهم در زمینه مخارج جاری دولت در استانهای کشور این است که مخارج آموزش و پرورش در استانها بخش درخور توجهی از کل مخارج دولت در استانها را به خود اختصاص می‌دهد. اطلاعات موجود در جدول ۲ نشان می‌دهد که سهم مخارج آموزش و پرورش از مخارج جاری دولت در استانهای کشور در سال ۷۳ بین ۶۱ تا ۸۹ درصد نوسان داشته است. این موضوع نشان می‌دهد که مخارج جاری دولت وابستگی بسیار شدیدی به مخارج آموزش و پرورش دارد. در این باره می‌توان به تعداد زیاد دانش‌آموزان استانهای کشور که عموماً سرویس دهی (آموزشی، خدماتی، و...) به آنها از طریق بخش دولتی انجام می‌گیرد اشاره کرد. لذا بدون تعدیل لازم در این نوع مخارج، دولت قادر نیست مخارج جاری خود را به صورت قابل توجه تعدیل کند.

جدول ۲ مخارج جاری دولت و مخارج آموزش و پرورش در استانهای کشور در سال ۱۳۷۳ (ارقام به میلیون ریال)*

ردیف	نام استان	مخارج جاری دولت EGS73	مخارج آموزش و پرورش EGC	نسبت مخارج آموزش و پرورش به مخارج جاری DEGC
۱	مرکزی	۸۸۵۷۲/۲۵	۵۳۵۶۱/۸۶	۰/۶۰۴۷۲۵
۲	گیلان	۱۷۶۰۵۷/۴	۱۱۰۷۷۱/۵	۰/۶۲۹۱۷۸
۳	مازندران	۳۰۹۷۲۶/۶	۱۹۰۴۴۲/۸	۰/۶۱۴۸۷۴
۴	آذربایجان شرقی	۲۱۲۰۱۳/۴	۱۵۸۱۴۴/۰	۰/۷۴۵۹۱۵
۵	آذربایجان غربی	۱۵۰۶۴۷/۸	۱۳۵۱۲۲/۸	۰/۸۹۶۹۴۵
۶	کرمانشاه	۱۳۰۴۷۷/۳	۹۹۳۷۵/۹۵	۰/۷۶۱۶۳۴
۷	خوزستان	۲۲۴۶۵۶/۳	۱۴۰۰۳۵/۲	۰/۶۲۳۳۳۱
۸	فارس	۲۷۸۵۲۰/۰	۱۸۶۳۶۸/۰	۰/۶۶۹۱۳۷
۹	کرمان	۱۷۷۴۱۳/۲	۱۴۲۱۹۰/۶	۰/۸۰۱۴۶۶
۱۰	خراسان	۴۱۷۰۱۳/۷	۳۲۸۴۹۸/۳	۰/۸۲۵۷۰۰
۱۱	اصفهان	۲۷۵۱۱۰/۸	۲۲۲۵۲۵/۲	۰/۸۰۸۸۵۷
۱۲	هرمزگان	۷۱۸۳۷/۰۷	۴۹۷۸۱/۶۴	۰/۶۹۲۹۸۰
۱۳	سیستان و بلوچستان	۱۰۵۰۸۴/۸	۶۴۳۰۹/۳۷	۰/۶۱۱۹۷۶
۱۴	کردستان	۸۹۱۱۰/۲۱	۵۸۵۶۱/۲۳	۰/۶۵۷۱۷۸
۱۵	همدان	۱۱۱۵۲۱/۴	۸۶۷۸۹/۰۰	۰/۷۷۸۲۲۷
۱۶	لرستان	۱۱۸۶۷۹/۲	۹۵۳۲۸/۵۲	۰/۸۰۴۱۷۲
۱۷	ایلام	۵۶۵۳۵/۷۹	۲۵۷۲۴/۰۰	۰/۴۳۱۸۸۳



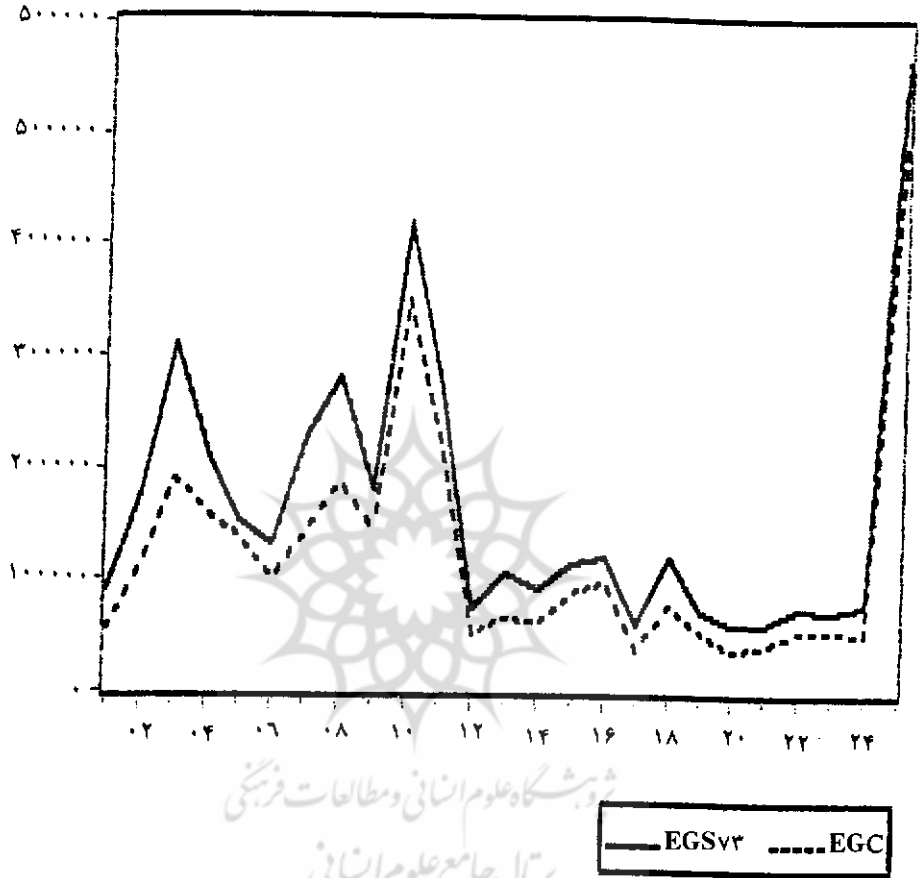
ادامه جدول ۲

۰/۶۳۳۷۳۳	۷۵۷۶۹/۳۳	۱۱۹۵۶۰/۱	زنجان	۱۸
۰/۷۳۲۵۴۹	۵۰۷۹۹/۰۵	۶۸۴۱۱/۶۸	چهارمحال وبختیاری	۱۹
۰/۶۰۷۷۴۴	۳۲۲۸۱/۲۴	۵۶۴۰۷/۳۳	کهگیلویه و بویراحمد	۲۰
۰/۶۶۷۲۷۰	۳۷۹۲۳/۰۰	۵۶۸۳۳/۰۴	سمنان	۲۱
۰/۷۰۲۵۰۸	۵۱۴۳۴/۱۲	۷۳۲۰۰/۷۳	یزد	۲۲
۰/۷۳۷۷۹۹	۵۱۵۵۷/۳۷	۶۹۸۷۹/۸۵	بوشهر	۲۳
۰/۶۴۹۷۲۲	۴۸۴۹۲/۰۶	۷۴۶۳۵/۰۵	اردبیل	۲۴
۰/۸۷۱۹۳۰	۴۹۲۶۶۳/۳	۵۶۵۰۱۹/۸	تهران	۲۵

۱- # مأخذ: قانون بودجه استانهای کشور عملکرد سال ۷۳، انتشارات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۴ و آمارنامه های استانها سال ۷۳، انتشارات مرکز آمار ایران سال، ۱۳۷۴.



(به میلیون ریال)



نمودار ۲ مخارج جاری دولت و مخارج آموزش و پرورش در استانهای کشور در سال ۱۳۷۳ (به میلیون ریال)*

EGS73 مخارج جاری دولت در استانهای کشور

EGC مخارج جاری آموزش و پرورش

* مأخذ: آمارنامه‌های استانها سال ۷۳ و قانون بودجه سال ۷۳. انتشارات مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۴.



۴. معرفی الگو

در مورد بررسی عوامل مؤثر بر مخارج جاری دولت در استانهای کشور به صورت مطالعات مقطعی تاکنون تحقیقی صورت نگرفته است. تحقیقات انجام شده در این باره اغلب به صورت سری زمانی بوده است. هزینه‌های جاری دولت در استانهای کشور به عنوان متغیر وابسته در الگو ظاهر می‌شود. در برآورد الگو از آمار و اطلاعات هزینه‌های جاری دولت به قیمت جاری سال ۷۳ بر حسب امور و فصول - مندرج در مجموعه آمار نامه استانها و بودجه استانها براساس عملکرد بودجه به صورت مقطع زمانی سال ۷۳ - استفاده شده است.

معرفی متغیرهای مستقل الگو

- درآمدهای عمومی استان: درآمدهای عمومی استان (Tysn ۷۳) از محل درآمدهای ملی (YNSV۳) و درآمدهای استانی (YS ۷۳) تأمین می‌شود. با وارد کردن این متغیرها در الگوهای اقتصادسنجی سعی شده حساسیت هزینه جاری نسبت به هر یک از بخش‌های مختلف درآمدهای استان مشخص گردد و نشان داده شود که هزینه‌های جاری دولت نسبت به کدامیک از متغیرهای فوق حساسیت زیادتری نشان می‌دهد.

- تعداد دانش‌آموزان استانهای کشور: همان طور که در جدول ۱ مشاهده گردید، سهم قابل توجهی از مخارج جاری دولت در استانهای کشور به مخارج جاری آموزش و پرورش در این استانها اختصاص دارد. بنابراین عواملی که به نحوی مخارج جاری آموزش و پرورش را تحت تأثیر قرار می‌دهند می‌توانند مخارج جاری دولت در استانها را نیز تغییر دهند. برای مثال در مقاله حاضر به منظور بررسی اهمیت مخارج آموزش و پرورش در مخارج جاری دولت از تعداد دانش‌آموزان به عنوان یک متغیر مهم در الگوهای اقتصادسنجی استفاده شده است.

- درآمدهای مالیاتی: با توجه به اینکه یکی از اهداف و سیاستهای مهم دولت در بخش عمومی این است که بتواند مخارج جاری خود را از طریق درآمدهای مالیاتی تأمین مالی کند لذا در این مقاله اثر مالیاتهای دریافتی در استانها (TX۷۳) بر روی مخارج جاری دولت در استانهای کشور در الگوهای اقتصادسنجی بررسی شده است.

- جمعیت کل استانها، جمعیت (شهری و روستایی): به منظور نشان دادن تأثیرات جمعیت کل استانها (POP)، جمعیت شهری (POPC)، و جمعیت روستایی (POPR) بر هزینه‌های دولت در استانها با توجه به آمارهای موجود، جمعیت شهری، متغیری مهم در افزایش مخارج جاری دولت در استانهای کشور معرفی شده است.

- تعداد کارکنان دولت: برای نشان دادن تأثیر این متغیر بر هزینه‌های جاری دولت در استانهای

کشور با توجه به آمارهای موجود، تعداد کارکنان دولت (TGEM) به عنوان متغیری مهم در افزایش هزینه‌های جاری دولت در استانها در الگو وارد شده است.

- نرخ تورم: افزایش نرخ تورم در سالهای اخیر مخارج عمومی دولت را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. با توجه به نتایج به دست آمده در این مقاله، بین نرخ تورم و هزینه‌های جاری دولت در استانهای کشور رابطه مثبت و معناداری وجود داشته و این متغیر به عنوان یک متغیر مهم و تأثیرگذار بر مخارج جاری دولت در الگوهای اقتصادسنجی مورد استفاده قرار گرفته است.

- تعداد شهرها و شهرستانهای هر استان: در سالهای اخیر به علت افزایش مهاجرت به شهرها و گسترش بی‌رویه شهرها که عموماً در اثر مهاجرت روستاییان به شهرها بوده خدمات عمومی دولت افزایش یافته و این امر باعث افزایش مخارج عمومی دولت گردیده است. در این مقاله تعداد شهرها و شهرستانهای (CTS) به عنوان یک متغیر توضیحی و مستقل در الگوهای اقتصادسنجی به کار رفته است.

5. برآورد الگوهای اقتصادسنجی و تفسیر نتایج آنها

به منظور بررسی تأثیر و اهمیت هر یک از متغیرهای معرفی شده در قسمت قبلی، در مقاله حاضر با استفاده از اطلاعات آماری موجود به کمک نرم‌افزار TSP7 و روش حداقل مربعات معمولی (OLS) الگوهای مختلف اقتصادسنجی برآورد شده است.

تمام الگوهای برآورد شده به صورت خطی لگاریتمی است و ضرایب به دست آمده حساسیت هزینه‌های جاری دولت در استانهای کشور را نسبت به هر یک از متغیرهای مستقل نشان می‌دهند.

الف) الگوی 1

در این الگو متغیرهایی مثل تعداد کارکنان دولت در استانهای کشور، دریاچه‌های استان از محل درآمدهای استانی و نرخ تورم استانی در سال ۷۳ متغیرهای مستقل و توضیحی محسوب شده‌اند. برآورد الگو به صورت زیر است:

$$\text{LnEGS}_{73} = 0.14 + 0.66 \text{LnTGEM} + 0.14 \text{LnYs}_{73} + 0.79 \text{LnINF}$$

$$\begin{matrix} (0.119) & (7/5) & (2/0.1) & (2/12) \\ R^2 = 0.95 & F = 165 & N = 25 \end{matrix}$$

اعداد داخل پرانتز آماره‌های t هستند که در آن:

EGS₇₃: مخارج جاری دولت در استانهای کشور در سال ۷۳ (متغیر وابسته)

TGEM: تعداد کارکنان دولت در استانها در سال ۷۳

Ys₇₃: دریاچه‌های استان از محل درآمدهای استان

INF: نرخ تورم در استانها در سال ۷۳



با توجه به نتایج به دست آمده از الگوی فوق، ضرایب به دست آمده معنادار است و ارتباط مثبت و در حقیقت کششهای متغیرهای مستقل الگو را با متغیر وابسته نشان می‌دهد.

b_1 کشش مخارج جاری دولت نسبت به تعداد کارکنان دولت در استانهای کشور است و می‌توان چنین تفسیر کرد که با افزایش یک درصد به تعداد کارکنان دولت، مخارج جاری دولت به طور متوسط به میزان $0/66$ درصد افزایش پیدا کرده است. نتایج نشان می‌دهد افزایش کارکنان دولت ارتباط مثبت و معناداری با مخارج دولت داشته و این متغیر یک متغیر توضیحی مهم است.

b_2 کشش مخارج جاری دولت دریافت‌های استان از محل درآمدهای استانی است و معنای آن این است که با افزایش یک درصد در درآمدهای استان، مخارج جاری دولت در استانهای کشور به طور متوسط $0/14$ درصد افزایش پیدا می‌کند.

b_3 کشش مخارج جاری دولت نسبت به نرخ تورم را در استانهای کشور نشان می‌دهد. به عبارت دیگر با افزایش یک درصدی نرخ تورم در استانهای کشور، مخارج جاری دولت در استانها به اندازه تقریباً $0/8$ درصد تغییر کرده است. بنابراین در مقایسه با سایر متغیرها، نرخ تورم تأثیرات بیشتری بر مخارج جاری دولت در استانهای کشور داشته است. در سالهای اخیر به علت افزایش نرخ تورم در کشور ما مخارج عمومی دولت افزایش پیدا کرده و این افزایش بر روی کلیه متغیرهای مؤثر بر مخارج جاری دولت تأثیر گذارده است.

ب) الگوی ۲

$$\ln EG_{\gamma\gamma} = -0/33 + 0/67 \ln INF + 0/15 \ln TX_{\gamma\gamma} + 0/22 \ln PoPc + 0/18 \ln CTS + 0/36 \ln TysN_{\gamma\gamma}$$

$(-0/24)$	$(1/82)$	$(2/37)$	$(2/48)$	$(1/93)$	$(2/9)$
$R^2 = 0/96$	$F = 110$		$N = 25$		

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اعداد داخل پرانتز آماره‌های t هستند که در آن:

$EGS_{\gamma\gamma}$: مخارج جاری دولت در استانهای کشور (متغیر وابسته)

INF : نرخ تورم

$TX_{\gamma\gamma}$: مالیاتهای دریافت شده در استانها

$PoPc$: جمعیت شهری استانها

CTS : تعداد شهرها و شهرستانهای هر استان

$TYSN_{\gamma\gamma}$: کل دریافت‌های انسانی، یعنی دریافت از محل درآمدهای ملی و از محل درآمدهای استان.

در الگوی فوق کلیه متغیرهای به کار رفته متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر مخارج جاری دولت در استانهای کشورند که در زیر به تفسیر ضرایب آنها می‌پردازیم:

b_1 ضریب نرخ تورم است که با افزایش یک درصد در نرخ تورم، مخارج جاری دولت به طور

متوسط به میزان $0/67$ درصد افزایش می‌یابد.

b_7 ضریب مالیاتهای دریافت شده در استانهای کشور است که با افزایش یک درصدی مالیاتها، مخارج جاری دولت به طور متوسط به میزان ۰/۱۵ درصد افزایش می‌یابد.

b_8 ضریب جمعیت شهری انسانهای کشور است که می‌توان گفت با یک درصد افزایش جمعیت شهری هر استان، مخارج جاری در استانهای کشور به طور متوسط به میزان ۰/۲۳ درصد افزایش پیدا می‌کند.

b_9 ضریب کل دریافتهای استان چه از محل درآمدهای استان و چه از محل درآمدهای ملی است و بدین معناست که با افزایش یک درصد در کل دریافتها، مخارج جاری دولت در استانها به طور متوسط به میزان ۰/۲۶ درصد افزایش پیدا می‌کند.

ج) الگوی ۳

در این الگوی متغیرهایی چون تعداد دانش‌آموزان در استانهای کشور و مالیاتهای استان و نرخ تورم و کل دریافتهای استانی به عنوان متغیرهای مستقل و توضیحی در نظر گرفته شده است. برآورد الگوی فوق به صورت زیر است:

$$\text{LnEGS}_{73} = 2/79 + 0/50 \text{ LnTS} + 0/14 \text{ LnTx}_{73} + 0/57 \text{ LnINF} + 0/19 \text{ LnTysN}_{73}$$

$(2/79)$	$(5/44)$	$(3/10)$	$(2/05)$	$(1/93)$
$R^{-2} = 0/98$		$F = 243$		$N = 25$

اعداد داخل پرانتز آماره‌های t هستند که در آن:

EGS_{73} : مخارج جاری دولت در استانهای کشور (متغیر وابسته)

متغیرهای مستقل:

TS: تعداد دانش‌آموزان هر استان

Tx_{73} : مالیاتهای دریافتی هر استان

INF: نرخ تورم

$TYSN_{73}$: کل دریافتهای استان

به منظور بررسی تأثیر بخش آموزش و پرورش در هزینه‌های جاری دولت در استانها از متغیر تعداد دانش‌آموزان وزارت کشور استفاده شده و از طرف دیگر، متغیرهای مهم دیگری چون نرخ تورم، مالیات و کل دریافتهای استان در الگو به کار رفته است.

در الگوی ۳ B_0 عدد ثابت ۲/۷۹ است و $B_1(0/50)B_2(0/14)B_3(0/57)B_4(0/19)$ به شرح زیر است: B_7 ضریب تعداد دانش‌آموزان کشور در استانهاست و می‌توان آن را چنین تفسیر کرد که با افزایش یک درصدی تعداد دانش‌آموزان، مخارج جاری دولت در استانهای کشور به طور متوسط ۰/۵۰ (نیم) درصد افزایش می‌یابد.

B_8 ضریب مالیاتهای دریافتی استانهاست. اگر مالیاتها یک درصد افزایش یابد، مخارج جاری دولت



در استانهای کشور به طور متوسط به میزان ۰/۱۴ درصد افزایش می‌یابد.
B۳ ضریب نرخ تورم است. در این الگو نیز با افزایش یک درصدی نرخ تورم، مخارج جاری دولت به طور متوسط به میزان ۰/۵۷ درصد افزایش می‌یابد.
B۴ ضریب کل دریافت‌های استانی است که شامل دریافت‌های استانی از محل درآمدهای استانی و دریافت‌های کشور از محل درآمدهای ملی است.
ضریب آن بدین معنا است که با افزایش یک درصد در کل دریافت‌های استان، مخارج جاری دولت در استانها به طور متوسط به میزان ۰/۱۹ درصد افزایش پیدا می‌کند.
لازم به توضیح است کلیه پارامترها در الگوهای برآورد شده در سطح ۵ یا ۱۰ درصد معنا دارند.

۶ خلاصه و نتیجه‌گیری

شناسایی عوامل مؤثر بر مخارج جاری دولت در هر استان اهمیت بسیار دارد، زیرا از این طریق می‌توان برای تعدیل هزینه‌های جاری در استانهای کشور گام برداشت.
عوامل قابل بررسی با توجه به آمار و اطلاعات موجود در آمارنامه‌های استانی عبارت بودند از: جمعیت شهری استانها، مالیات‌های استانی، تعداد دانش‌آموزان هر استان، تعداد کارکنان دولت، نرخ تورم، کل درآمدهای استانی و تعداد شهرها و شهرستانهای هر استان.
در این مقاله براساس تخمین الگوهای اقتصادسنجی، تأثیر هر کدام از عوامل یاد شده بر مخارج جاری دولت در استانهای کشور بررسی شده و ضرایب به دست آمده تفسیر و تجزیه و تحلیل گردیده است.

به طور خلاصه می‌توان به منظور منطقی کردن بودجه دولت و اعتدال و صرفه‌جویی در مخارج جاری دولت - چه در سطح کلان و چه در استانهای کشور که بیشتر مدنظر است - موارد ذیل را بیان کرد:

- الف) افزایش درآمدهای مالیاتی
- ب) تغییر در ترکیب مخارج دولت
- ج) تجدیدنظر در تشکیلات دولتی و کاهش کارکنان دولت (تعدیل نیروی انسانی)
- د) کاهش هزینه‌های جاری آموزش و پرورش از طریق مشارکت دادن بخش خصوصی (اولیای دانش‌آموزان)
- ح) تغییرات اندازه و ساختار جمعیت (سیاست‌های کنترل مولید)

الف) افزایش درآمدهای مالیاتی

بدون شک برای تأمین بخشی از مخارج جاری دولت در استانهای کشور - با توجه به عملکرد مالیات‌ها در مقایسه با مخارج جاری در هر استان - باید تحول اساسی در نظام مالیاتی و تغییر اساسی در سیستم اجرایی و جمع‌آوری مالیات ایجاد شود. به عبارت دیگر باید مالیات‌هایی با مبنای وسیع‌تر را که

می‌تواند درآمد قابل توجهی برای دولت به وجود آورد معرفی کرد. در این مورد باید با توجه به تجربه کشورهای مختلف مخصوصاً کشورهای در حال توسعه در اصلاح نظام مالیاتی و نیز با توجه به وضعیت مالیاتها در کشور ما، مالیات بر ارزش افزوده به طور جدی مورد توجه قرار گیرد. این مالیات که در حقیقت نوعی مالیات بر فروش عمومی است، مبنای بسیار وسیعی دارد که می‌تواند کالاها و خدمات مختلفی را در بر گیرد. چنانچه این مالیات با برنامه‌ریزی دقیق اجرا شود می‌تواند درآمد مالیاتی درخور توجهی برای دولت ایجاد کند و از این طریق درآمدهای عمومی دولت را افزایش دهد.

ب) تغییر در ترکیب مخارج دولت

با توجه به نتایج به دست آمده در این تحقیق، تنظیم بودجه در سطح کلان کشور و بودجه‌بندی استانها باید متناسب با ظرفیتهای کشور صورت گیرد. همچنین جهت‌گیری آن باید اعمال انضباط مالی، اداری، و توجه به واقعیتهای کشور باشد و زمینه اصلاح ساختار کلی اقتصاد ایران را فراهم آورد. بنابراین در ترکیب مخارج دولت اولاً باید اهمیت بیشتری برای مخارج سرمایه‌گذاری دولت قائل شد و ثانیاً در میان اجزای سرمایه‌گذاری دولتی باید سهم سرمایه‌گذاری در امور اقتصادی که مستقیماً مولد است افزایش یابد.

در مورد مخارج دولت باید گفت هر چه سهم مخارج سرمایه‌گذاری دولت مخصوصاً در بخشهایی مانند کشاورزی، صنایع، معدن و ساختمان - که مستقیماً مولد می‌باشند - افزایش یابد، در این صورت در مجموع می‌توان امیدوار بود که این امر به نوبه خود باعث تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نیز بشود و افزایش سرمایه‌گذاری در بلند مدت می‌تواند باعث افزایش نرخ رشد واقعی در اقتصاد گردد.

ج) تجدیدنظر در تشکیلات دولتی و کاهش کارکنان دولت

دولت باید تعداد کارکنان خود را که خصوصاً پس از انقلاب اسلامی افزایش یافته است، تعدیل کند. حجم تشکیلات دولت باید به صورت جدی کاهش یابد و ضرورت دارد دستگاههای دولتی به جای گسترش بی‌رویه تشکیلات بر کارایی و تواناییهای اجرایی و عملی خود بیفزایند. علاوه بر این واگذاری فعالیتها به بخش خصوصی - آن هم با یک برنامه‌ریزی دقیق و همراه با نظارت دولت - با توجه به افزایش بهره‌وری و کارایی بخش خصوصی می‌تواند عملکرد اقتصاد کلان کشور را نیز بهبود بخشد [۷].

د) کاهش مخارج جاری آموزش و پرورش با توجه به تعداد کثیر دانش‌آموزان

سهم بسیار بالایی از بودجه‌های استانی با توجه به تعداد کثیر دانش‌آموزان به مخارج جاری آموزش و پرورش اختصاص دارد. گرچه قانون اساسی ارائه این گونه خدمات و خدمات وسیع دیگر را نیز وظیفه دولت قرار داده است، اما نایل به ایفای کامل و همه‌گیر این گونه خدمات، طبعاً نیازمند امکانات و تدارکات وسیع است. در این گونه موارد شاید مناسبتر این باشد که خدمات دولتی در جهت استفاده و پوشش



اقتشار کم در آمد هدایت شود و اقتشار دارای درآمدهای بالاتر خود موظف به تأمین هزینه این گونه خدمات باشند. برای نیل به چنین مقصودی روشهایی مختلف، از جمله مشارکت دادن بخش خصوصی در سرمایه‌گذاریهای آموزش و پرورش و تشویق مردم به مشارکت قابل تصور است.

ه) تغییرات اندازه و ساختار جمعیت (سیاستهای کنترل موالید)

افزایش جمعیت عاملی بسیار مهم در تغییر هزینه‌های جاری دولت است. تغییرات جمعیت چه از نظر تعداد و چه از نظر ترکیب و ساختار می‌تواند بر هزینه‌های دولت تأثیر بگذارد. همان‌طور که می‌دانیم با افزایش جمعیت خدمات عمومی نیز باید گسترش یابد. بنابراین تعدیل مخارج جاری دولت در بلند مدت نیازمند تعدیل جمعیت است.

۷. پیوستها

جدول ۱ جمعیت استانها، تعداد شهرها و شهرستانهای هر استان در سال ۱۳۷۳*

نام استان	جمعیت کل استانها (به نفر) POP	تعداد شهرها و شهرستانها CTS	تعداد دانش‌آموزان در استانهای کشور به نفر
مرکزی	۱۱۹۲۴۶۶	۲۶	۲۶۵/۲۶۵
گیلان	۲۱۷۷۲۰۹	۲۷	۶۵۲/۵۹۲
مازندران	۳۹۱۲۴۱۰	۶۷	۱/۲۷۷/۸۱۷
آذربایجان شرقی	۳۲۲۹۸۷۱	۳۲	۹۷۶/۸۷۷
آذربایجان غربی	۲۴۲۴۵۰۶	۳۴	۶۰۸/۷۹۲
کرمانشاه	۱۷۲۷۲۲۹	۲۷	۵۳۲/۵۵۱
خوزستان	۲۶۲۸۹۸۵	۳۳	۱/۱۰۹/۱۳۹
فارس	۳۷۰۷۲۲۸	۵۶	۱/۲۰۷/۷۹۲
کرمان	۱۹۴۶۶۶۸	۳۴	۶۶۶/۶۲۳
خراسان	۵۸۷۳۶۸۲	۷۴	۱/۸۳۴/۹۹۱
اصفهان	۲۸۱۰۳۹۱	۷۴	۱/۲۰۱/۵۵۲
هرمزگان	۱۰۳۱۵۹۹	۲۱	۲۹۹/۴۸۵
سیستان و بلوچستان	۱۶۷۳۰۲۴	۲۳	۳۹۴/۳۱۴
کردستان	۱۰۳۷۶۵۰	۲۰	۳۶۵/۷۵۶
همدان	۱۶۲۹۶۸۶	۲۲	۵۰۳/۴۹۷
لرستان	۱۵۳۸۸۵۲	۱۹	۵۳۷/۸۷۵
ایلام	۴۷۳۸۵۰/۰	۲۰	۱۷۲/۲۶۱

عوامل مؤثر بر هزینه‌های جاری دولت در استانهای کشور

ادامه جدول ۱

۳۰۲/۳۰۶	۱۳	۱۰۰۷۰۴۴	زنجان
۲۵۶/۲۲۷	۲۲	۷۳۹۲۷۱/۰	چهارمحال و بختیاری
۱۸۴/۷۴۸	۱۸	۵۲۸۶۹۶/۰	کهگیلویه و بویراحمد
۱۵۰/۳۶۴	۱۸	۴۸۷۰۲۱/۰	سمنان
۲۴۲/۳۷۸	۲۲	۷۲۹۱۷۱/۰	یزد
۲۴۰/۶۷۹	۲۰	۷۲۲۲۸۱/۰	بوشهر
۳۴۵/۰۷۲	۱۹	۱۱۳۴۴۱۰	اردبیل
۳/۵۴۸/۹۰۸	۳۴	۱۱۶۸۲۲۲۶	تهران

* مأخذ: آمار نامه‌های استانها سال ۱۳۷۳، انتشارات مرکز آمار ایران، ۱۳۷۴.

جدول ۲ تعداد کارکنان دولت در استانهای کشور در سال ۱۳۷۳*

تعداد کارکنان دولت (به نفر) TGEM	نام استان	تعداد کارکنان دولت (به نفر) TGEM	نام استان
۹۲۰۵۰	گیلان	۴۵۷۷۲	مرکزی
۹۸۴۰۹	آذربایجان شرقی	۱۳۰۷۳۱	مازندران
۵۵۷۸۷	کرمانشاه	۷۰۳۴۹	آذربایجان غربی
۱۳۷۱۳۰	فارس	۱۲۸۱۰۴	خوزستان
۱۸۲۴۵۷	خراسان	۸۸۱۹۸	کرمان
۳۷۳۳۲	هرمزگان	۱۵۸۲۶۵	اصفهان
۳۱۹۷۶	کردستان	۴۸۷۹۶	سیستان و بلوچستان
۴۹۹۰۶	لرستان	۵۰۲۱۲	همدان
۳۳۳۶۸	زنجان	۲۰۵۵۳	ایلام
۲۴۳۶۴	کهگیلویه و بویراحمد	۲۹۱۵۴	چهارمحال و بختیاری
۳۷۷۰۲	یزد	۲۸۷۶۴	سمنان
۳۴۸۶۱	اردبیل	۲۹۳۲۱	بوشهر
		۴۷۱۸۶۳	تهران

* مأخذ: سازمان اداری و استخدامی کشور سال ۱۳۷۳.



جدول ۳ عملکرد بودجه استانی در سال ۱۳۷۳*

پرداختها (به میلیون ریال)		دریافتها (به میلیون ریال)			نام استان	مشاهدات
عمرانی	جاری	جمع	از محل درآمدهای ملی	از محل در آمدهای استانی		
EGIS73	EGS73	TYSN73	YNS73	YS73		
۴۰۲۱۱/۲۲	۸۸۵۷۲/۲۵	۱۲۸۷۸۲/۴۹	۷۴۱۷۲/۸۲	۵۴۶۰۹/۶۶	مرکزی	۱
۱۰۵۰۶۱/۳	۱۷۶۰۵۷/۴	۲۸۱۱۱۸/۶۷	۲۲۱۳۰۱/۲	۵۹۸۱۷/۳۸	گیلان	۲
۱۲۷۲۳۶/۵	۲۰۹۷۲۶/۶	۴۳۶۹۷۳/۰۹	۳۳۷۹۲۳/۸	۹۹۰۴۹/۲۴	مازندران	۳
۱۲۱۷۳۷/۶	۲۱۲۰۱۳/۴	۲۳۲۷۶۰/۹۸	۲۲۷۲۶۰/۹	۱۰۶۴۰۰/۱	آذربایجان شرقی	۴
۹۱۷۱۸/۷۰	۱۵۰۶۳۷/۸	۲۴۲۳۶۶/۵۰	۱۸۳۳۵۸/۵	۵۹۰۰۸/۰۴	آذربایجان غربی	۵
۱۷۸۶۸۰/۷	۱۳۰۴۷۷/۳	۲۰۹۱۵۷/۹۴	۲۷۳۸۱۲/۱	۳۴۳۴۵/۸۰	کرمانشاه	۶
۴۱۵۱۶۵/۹	۲۲۴۶۵۶/۳	۶۳۹۸۲۲/۲۴	۵۰۴۶۰۰/۹	۱۳۶۲۲۱/۳	خوزستان	۷
۱۲۸۱۵۳/۱	۲۷۸۵۲۰/۰	۴۰۶۶۷۳/۰۶	۳۰۱۷۳۸/۰	۱۰۴۹۲۵/۱	فارس	۸
۸۹۷۳۰/۲۹	۱۷۷۴۱۳/۲	۲۶۷۱۴۳/۴۶	۲۰۲۴۴۵/۳	۶۴۶۸۸/۲۰	کرمان	۹
۱۶۴۹۹۵/۲	۴۱۷۰۱۳/۷	۵۸۲۰۰۸/۸۵	۴۱۶۶۱۳/۴	۱۶۵۳۹۵/۴	خراسان	۱۰
۷۶۵۸۳/۱۸	۲۷۵۱۱۰/۸	۳۵۱۹۶۳/۹۲	۱۷۲۰۴۵/۴	۱۷۹۶۴۸/۵	اصفهان	۱۱
۹۵۹۱۶/۵۲	۷۱۸۳۷/۰۷	۱۶۷۷۵۳/۵۹	۱۲۸۰۷۷/۲	۳۹۶۷۶/۳۵	هرمزگان	۱۲
۱۲۳۶۹۹/۵	۱۰۵۰۸۴/۸	۲۲۷۷۸۴/۲۹	۲۳۱۱۶۶/۸	۲۶۶۱۷/۴۴	سیستان و بلوچستان	۱۳
۱۰۵۱۹۹/۴	۸۹۱۱۰/۲۱	۱۹۴۳۰۹/۶۰	۱۷۵۸۱۳/۸	۱۸۴۹۵/۸۳	کردستان	۱۴
۵۵۲۰۱/۹۹	۱۱۱۵۲۱/۴	۱۶۶۴۲۳/۳۸	۱۳۵۵۲۰/۴	۳۱۲۰۲/۰۲	همدان	۱۵
۷۰۹۲۸/۳۰	۱۱۸۶۷۹/۲	۱۸۹۶۰۷/۵۰	۱۶۷۵۹۲/۸	۲۱۶۱۴/۶۶	لرستان	۱۶
۸۲۲۳۳/۱۶	۵۶۵۳۵/۷۹	۱۳۹۹۸۹/۹۵	۱۳۲۶۷۳/۵	۷۳۵۸/۳۹	ایلام	۱۷
۸۷۰۶۰/۶۴	۱۱۹۵۶۰/۱	۲۰۶۶۲۰/۷۳	۱۵۰۷۶۶/۵	۵۵۸۵۴/۲۷	زنجان	۱۸
۴۷۷۳۱/۶۳	۶۸۴۱۱/۶۸	۱۱۶۱۴۳/۳۰	۱۰۲۵۳۳/۰	۱۳۶۰۹/۲۷	چهارمحال و بختیاری	۱۹
۵۲۰۵۲/۱۸	۵۶۴۰۷/۳۴	۱۰۸۴۵۹/۵۱	۹۹۶۰۴/۲۲	۸۸۵۵/۳۰	کهگیلویه و بویراحمد	۲۰
۳۸۹۴۹/۹۸	۵۶۸۳۳/۰۴	۹۵۷۸۳/۰۳	۷۹۹۱۱/۱۸	۱۵۸۷۱/۸۵	سمنان	۲۱
۳۵۰۴۰/۵۶	۷۳۲۰۰/۷۳	۱۰۸۲۴۱/۳۰	۷۷۴۵۸/۴۵	۴۰۷۸۲/۸۵	یزد	۲۲
۵۱۸۷۵/۶۹	۶۹۸۷۹/۸۵	۱۲۱۷۵۵/۵۴	۱۰۰۸۵۰/۷	۲۰۹۰۴/۸۲	بوشهر	۲۳
۹۵۱۷۶/۰۵	۷۴۶۳۵/۰۵	۱۳۰۶۳۱/۵۴	۱۱۸۷۵۸/۴	۱۱۸۷۳/۱۲	اردبیل	۲۴
۹۵۱۲۶/۰۵	۵۶۵۰۱۹/۸	۶۶۰۱۹۵/۸۷	۶۶۰۱۹۵/۸	۱۶۶۳۱۴/۹	تهران	۲۵
۲۵۲۶۵۴۵/۷	۴۰۷۶۹۳۴/۶	۶۶۱۳۴۷/۰۳	۵۲۴۶۷۰/۷/۴	۱۳۶۶۷۶۲/۹۵	جمع	

* مأخذ: پیوست شماره ۲ قانون بودجه سال ۱۳۷۳ کل کشور.

جدول ۴ نرخ تورم استانی در سال ۱۳۷۳*

مشاهدات	نام استان	نرخ تورم (به درصد) INF	مشاهدات	نام استان	نرخ تورم (به درصد) INF
۱	مرکزی	۳۱/۷	۱۴	کردستان	۲۶/۳
۲	گیلان	۳۴/۵	۱۵	همدان	۳۷/۵
۳	مازندران	۳۳/۵	۱۶	لرستان	۲۴
۴	آذربایجان شرقی	۳۲/۵	۱۷	ایلام	۲۲/۴
۵	آذربایجان غربی	۳۶/۴	۱۸	زنجان	۲۴
۶	کرمانشاه	۳۶/۶	۱۹	چهارمحال و بختیاری	۳۴/۶
۷	خوزستان	۳۵/۶	۲۰	کهگیلویه و بویراحمد	۴۰/۲
۸	فارس	۴۰/۴	۲۱	سمنان	۳۲/۸
۹	کرمان	۳۶/۰۱	۲۲	یزد	۳۴/۹
۱۰	خراسان	۳۹/۱	۲۳	بوشهر	۲۶/۳
۱۱	اصفهان	۳۴/۶	۲۴	اردبیل	۳۲/۱
۱۲	هرمزگان	۲۷/۶	۲۵	تهران	۲۴/۴
۱۳	سیستان و بلوچستان	۲۶			

* مأخذ: بانک مرکزی، «شاخصهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری»، ترازنامه و گزارش اقتصادی، جدول ۸، ۱۳۷۴.

۷. منابع

- [۱] بدرخش، مینا، بررسی اثرات مخارج مصرفی و سرمایه‌گذاری بر مخارج جاری دولت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶.
- [۲] تقوی، مهدی و علیرضا صنیع‌دانش، «علل افزایش حجم فعالیتهای دولت در ایران»، فصلنامه علمی-کاربردی مدیریت دولتی، ۱۳۷۵، ش ۳۲.
- [۳] سامتی، مرتضی، اندازه‌گیری مطلوب فعالیتهای دولت در ایران، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۲.
- [۴] «گزارش بانک توسعه جهانی ۱۹۸۸: مخارج دولتی در کشورهای در حال توسعه»، ترجمه ذبیح‌الله قائمی و نعمت‌الله رضایی، مجله برنامه و بودجه، ش ۹، ص ۷۳.
- [۵] نجاری، داود، بررسی عوامل مؤثر بر افزایش سطح هزینه‌های جاری دولت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، ۱۳۷۶.



- [6] Abirzadeh, Sohrab and Mahmood Yousefi, «Groeth of Government Expenditure: The Case of Canada», *Public Finance Quarterly*, Vol. 16, No. 1, pp. 78 - 100.
- [7] Dao, Minh Quang, «Determinats of Government Expenditure», *Oxford Bulletin of Economic and Statics*, Vol. 57, No. 1, pp. 67-76
- [8] Lindauer, David L. and Ann D. Velenchic, «Government Spending in Development Countries Trends, Case and Consequence», *The World Bank Research Observer*, Vol. 7, No. 1, pp. 59-78.
- [9] Ram, R., «Wagner's Hypothesis in Time Series and Cross Section Perspectives: Evidence form Real Data for 115 Countries» *Review of Economics and Statistic*, 1987, Vol. 67, pp. 194 - 204.
- [10] Sham Bhat, K., «Political Economy of Public Expenditure and Tax Revenue in Indian», *The Indian Economic Journal*, Vol. 44, No. 1, pp. 108-119.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی